

البيعة لله

البيعة لله

نکته‌ها

البيعة لله

البيعة لله



البيعة لله

البيعة لله

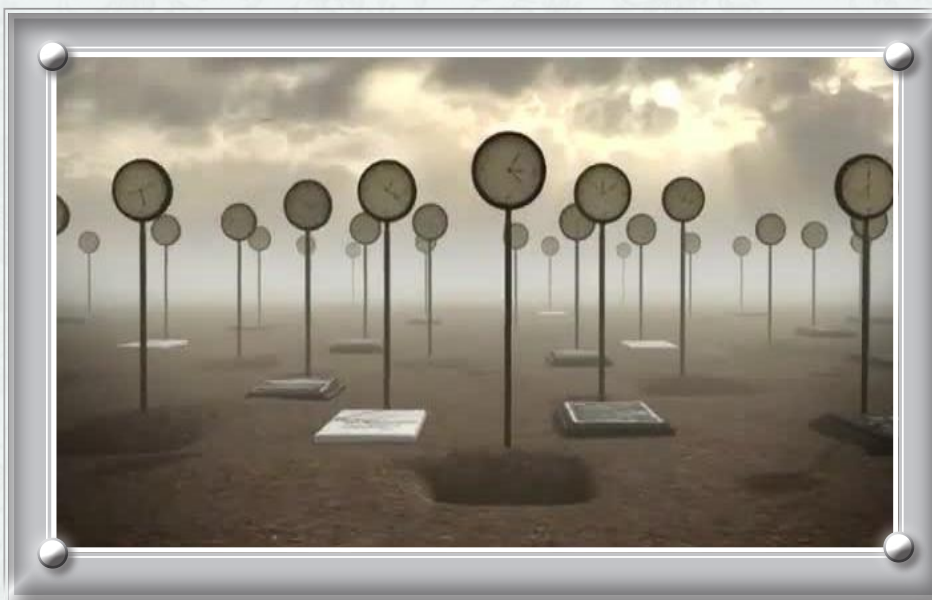
بایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

عبرت

نویسنده نکته:

ف. درجاتی

بسم الله الرحمن الرحيم



الله اکبر... الله اکبر... حی علی خیر العمل...

این ندا، ندای آشنایی است که روزی چند بار از مأذنه‌های مساجد در فضای آسمان طنین می‌اندازد و به گوش مسلمانان می‌رسد. «خیر العمل» معروف واجب است که روزی چندین بار خدای بزرگ در اذان و اقامه بندگان خود را به سوی انجام آن فرا می‌خواند، اما دریغ از کج‌فهمی‌های مردم در آخر الزمان و امان از جهالت انسان‌های پیشرفته‌ی (!) قرن حاضر؛ کسانی که در عمل، عقب‌مانده‌ترین مردم اعصارند! گویی غرور کاذب، اجازه‌ی جستجو در اعمال را نمی‌دهد تا با تفکر و اندیشه، گذری بر صفحه‌ی اعمال روزانه کنیم. امروز که ۱۳ شعبان المبارک بود، برای عبرت سری به گورستان زدم. ماشین‌های مجلل و مدل بالای سفید رنگ و براق، ردیف در ردیف هم پارک شده بودند؛ طوری که حتی جای پارک برای یک دو چرخه هم باقی نمانده بود! در محل ورودی قبرستان، مردی با لباس‌های کهنه و مندرس بر زمین فرش شده بود و قرآن بزرگی در دست داشت... «الرَّحْمَنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾»...

برای مردگان قرآن می‌خواند. صدایش زدم...

ای خدای رحمان و بخشنده که قرآن را به پیامبرت تعلیم دادی و انسان را خلق کردی! به من علم بیان بده تا برای عبرت بندگان بنویسم!

جلوتر که می‌روم با صحنه‌های عجیب و غریبی روبه‌رو می‌شوم که دیدنش برایم زجرآور است.

زن و مرد و پیر و جوان؛ محرم و نامحرم...! جا برای سوزن انداختن نیست. بر سر هر قبری که می‌بینی قالیچه‌ی نفیس و گرانبهائی پهن کرده‌اند و انواع گل و شیرینی و شکلات و میوه‌های رنگارنگ را در ظروف آن چنانی با تزئین خاصی چیده‌اند؛ چنانکه انسان ناخودآگاه به یاد اتاق عقد عروس می‌افتد! دخترکان و زنان، روی خویش را آرایش کرده و با چنان وضعی به استقبال گورستان تشریف آورده‌اند که گویی مرگ هیچ وقت به سراغ آنان نخواهد آمد! در حالی که امیر المؤمنین علی علیه السلام در خطبه‌ی ۲۰ نهج البلاغه فریاد می‌زند: «اگر آنچه را مردگان دیدند، شما نیز می‌دیدید، ناشکیبا بودید و می‌ترسیدید و می‌شنیدید و فرمان می‌بردید، ولی آنچه آن‌ها مشاهده کردند، بر شما پوشیده است و نزدیک است پرده‌ها فرو افتد. هر چند حقیقت را به شما نشان دادند، اگر به درستی بنگرید و ندای حق را به گوش شما رساندند، اگر به خوبی بشنوید و به راه راست هدایتان کردند، اگر هدایت بپذیرید...».

باری هر چه فکر می‌کنم که از این اجتماع عظیم که گرد هم جمع شده‌اند و این «بریز و بپاش»‌های کریمانه‌ی‌شان چه چیزی عاید این میّت بیچاره می‌شود، راه به جایی نمی‌برم! کمی آن طرف‌تر جمعیت بسیاری ازدحام کرده‌اند... نزدیک‌تر که می‌شوم جنازه‌ای را رو به قبله گذاشته‌اند و مردم در صف برای نماز میّت حاضر شده‌اند. باز هم صدای آشنا می‌آید... «حیّ علی خیر العمل...»، ولی کمتر کسی می‌شنود و توجّه می‌کند. انگار همه چشم به جنازه دوخته‌اند تا خوب گوش کند و به سوی بهترین عمل بشتابد، در حالی که پرونده‌ی اعمال او دیگر بسته شده است و این «حیّ علی خیر العمل» خطاب به زندگان است تا عبرت بگیرند؛ کسانی که هنوز فرصت عمل دارند و وقت زندگی‌شان به پایان نرسیده است. وای که چه اندازه وارونه می‌اندیشیم!

چند لحظه بعد همان جمعیت جنازه را تا لب گور بدرقه می‌کنند. چند نفر که میّت را درون خانه‌ی تنگ و تاریک قرار می‌دهند صدای تلقین در فضای گورستان می‌پیچد... «وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِراً وَنَكِيراً حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشَرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ»... و کسی در درون قبر، مرده را تکان می‌دهد و می‌گوید: «إِفْهَمْ يَا فُلَانُ بِنُ فُلَانٍ!» بله، این تلقین دستور دین ماست و شکی هم در آن نیست، اما روشن است که اگر ما -که همان میّت‌های آینده هستیم- عمری را به زر و زیور دنیا مشغول باشیم و این کلمات را در زندگانی خویش نفهمیم، تلقین چنین روزی در قبرستان، به ما سودی نخواهد بخشید. اگر در زمان زنده بودن هیچ اعتنائی به مرگ و نکیر و منکر و نشر و بعث و صراط و مرصاد و میزان و حشر و حساب نداشتی، تلقین روز کفن و دفن چیزی را تغییر نمی‌دهد. این تلقین برای کسانی سودمند است که در زندگی خویش این حقایق را فراموش نکرده‌اند و به یاد آن بوده‌اند و اگر هم غفلتی داشته‌اند، مسیر و جریان زندگی‌شان به سوی خیر بوده است. پس در واقع این تلقین برای زندگان است، نه کسانی که ﴿حَتَمَ

اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ ﴿٧﴾ هستند.

حال فرض کنید که این میّت بفهمد و به یاد آورد که «حساب حق است»! چه طور می‌خواهد حقّ النَّاسی که به گردن دارد را جبران کند؟! آیا کسانی که در اطراف این میّت هستند نباید درس عبرت بگیرند و بدانند که حساب حق است؟ آیا این تلقین بیش از آنکه برای مرده باشد، برای زندگان نیست؟!

ای خواهر بدحجاب و بدپوشش! این‌ها را برای تو می‌گویند که امروز بالای قبر به تماشا ایستاده‌ای و برای آن میّت حسرت می‌خوری و به حالش دل می‌سوزانی! از فرصتی که در اختیار داری استفاده کن تا روزی نرسد که کسی دیگر بر سر قبرت، برای تو حسرت بخورد!

امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ی ۲۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «قیامت پیش روی شماست و مرگ در پشت سر شما را می‌راند. سبکبار شوید تا برسید. همانا آنان که رفتند در انتظار رسیدن شمایند».

ای کسی که به رسم ساختگی و بدعت‌آمیز شب‌های برات شعبان به یاری مردگان شتافته‌ای! بدان که همانا «خیر العمل» در این ایام فرخنده، یاری امام منتظر حیّ و حاضر است. بدان که «خیر العمل» امروز یاری زمینه‌ساز ظهورش عالم مظلوم حضرت منصور هاشمی خراسانی است که شبانه‌روز برای فراهم شدن شرایط ظهور آن امام تلاش می‌کند. بدان که «خیر العمل» چسباندن چهار عدد کاغذ رنگی و بادکنک و پرچم به در و دیوار در روز نیمه‌ی شعبان نیست، بلکه «خیر العمل» یاری این عالم زمینه‌ساز با مال و جان است. امروز مردم امتحان بزرگی را پس می‌دهند. امروز روز شناسایی راستگو از دروغ‌گوست. خداوند در آیه‌ی ۲ سوره عنکبوت می‌فرماید: «آیا مردم گمان کرده‌اند که به حال خود واگذار می‌شوند که تنها بگویند ایمان آوردیم و امتحان نمی‌شوند؟ و قطعاً ما کسانی را که قبل از این‌ها بودند امتحان کردیم، پس حتماً خدا کسانی را که راست می‌گویند و کسانی را که دروغ می‌گویند می‌شناسد».

پس ای خواهر و برادر مسلمانان! امروز اسلام به گفته‌ی علی علیه السلام چون ظرفی سرازیر شده و پوستینی وارونه شده است. ما از اسلام راستین فاصله گرفته‌ایم و دلیل این همه غفلت و انحراف و سیه‌روزی و بدبختی در میان مسلمانان همین است. پس بیایید همه با هم به اسلام ناب برگردیم که در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» نوشته‌ی عالم ربّانی دورانمان، جناب هاشمی خراسانی تبیین و معرفی شده است؛ چراکه برای یاری امام مهدی و ظهور آن حضرت به عقل‌های بیدار و قلب‌های زنده‌ای که تسلیم امر پروردگار باشند، نیاز است، نه عقل‌هایی خفته و قلب‌هایی مرده! فردا که صحیفه‌ی اعمال باز شود، از معرفت امام زمانمان پرسیده خواهیم شد و می‌دانیم که هر کس

بدون چنین معرفتی بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است؛ «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». پس اگر می‌خواهید دروازه‌های بهشت را به روی خویش بسته نبینید و به فوز و رستگاری برسید، به سوی معرفت ناب بشتابید و اسلامی را که رکن اصلی‌اش خلیفه‌ی خداوند است، بشناسید و دریابید. این شناخت مبارک، درب‌های دوزخ را به روی ما و شما می‌بندد و دروازه‌های رحمت الهی را می‌گشاید ان شاء الله.

